

# عمادِ ملکِ خط

زندگی کے آثار

میر عماد علی حسینی فروری

مہر نور محمد

با وجود این که میرعماد دارای شهرت و اعتباری جهانی است، سرگذشتش آنچنان که شایسته مقام شامخ اوست روشن نیست، به طوری که می توان گفت زندگی هیچ خوشنویس و هنرمند دیگری این چنین در معرض تحریف و حتی جعل قرار نگرفته و دستخوش داستان پردازی و افسانه سازی نشده است.

همین موضوع، انگیزه های برای نگارنده گردید تا در این خصوص کتابی تألیف نماید که از مطالب غیرمستند، مجعول و نادرست عاری باشد. از جمله مطالبی که برای اولین بار در این کتاب به آن اشاره شده، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- اثبات قطعیت حسنی بودن نسب میرعماد.
- تصحیح سال تولد وی از غلط مشهور ۹۶۱ به ۹۵۸ قمری.
- اثبات شاگردی میرعماد نزد عیسی رنگ نگار و مالک دیلمی.
- رد افسانه مهاجرت بستگان میرعماد به عثمانی بعد از کشته شدن او.
- انتقال قبر میرعماد از قبرستان خارج دروازه طوقچی اصفهان به مسجد مقصود بیک.

از دیگر قسمت های مهم کتاب حاضر، فصل پایانی است که خواننده را در جریان حذف ها، اضافات، جعل ها، تحریف ها و آوردن مطالب نادرست درباره میرعماد از عصر صفوی تا کنون قرار می دهد.



# عماد ملک خط

زندگی کے آثار

میر عماد سیف حسنی فروری

محمد کور محمد



---

سرشناسه : نورمحمدی، مهدی، ۱۳۵۱ -  
عنوان و نام‌پدیدآور : عماد ملک خط: زندگی و آثار میرعماد سیفی قزوینی  
مشخصات نشر : تهران: نشر علمی، ۱۳۹۴.  
مشخصات ظاهری : ۵۶۰ ص.  
شابک : ۲ - ۲۹۴ - ۴۰۴ - ۹۶۴ - ۹۷۸  
وضعیت فهرست‌نویسی : فنیای مختصر  
یادداشت : فهرستنویسی کامل این اثر در نشانی:  
<http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.  
شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۰۵۴۳۴

---



خیابان انقلاب - مقابل دانشگاه تهران شماره ۱۲۲۴

تلفن: ۶۶۴۶۰۶۶۷ فکس: ۶۶۴۹۶۶۱۱

### عماد ملک خط

زندگی و آثار میرعماد سیفی قزوینی

پژوهش و تألیف: مهدی نورمحمدی

صفحه آرا: مهدیه خسرویانی

خط روی جلد: استاد میرحیدر موسوی

چاپ اول: ۱۳۹۴

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لینتوگرافی: کوثر

چاپ: مهارت

صحافی: حقیقت

حق چاپ محفوظ است.

شابک ۲ - ۲۹۴ - ۴۰۴ - ۹۶۴ - ۹۷۸

مرکز پخش: انقلاب - خ ۱۲ فروردین - خ شهدای زاندارمیری پلاک ۱۰۳

۱۲ و ۶۶۴۶۰۵۱۱ - ۶۶۴۶۳۰۷۲

## فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
۱۷	سالشمار وقایع تاریخی از تولد تا مرگ میر عماد
۲۵	فصل ۱ - خاندان سیفی حسنی قزوین
۲۷	قاضی سیف‌الدین محمد حسنی قزوینی
۲۸	حسن ضریر
۲۸	سید عزالدین احمد
۲۹	قاضی جهان
۳۲	قاضی روح‌الله
۳۳	شرف جهان قزوینی
۳۶	میر عبدالباقی
۳۶	قاضی محمود
۳۶	میر عبدالعظیم سیفی حسنی
۳۷	میر عبدالکریم
۳۷	میر حسین
۳۸	میر علی کیا
۳۸	میر صدرالدین محمد
۳۹	میرزا روح‌الله
۳۹	قاضی خان سیفی
۴۳	فصل ۲ - استادان خوشنویسی میر عماد
۴۵	عیسی رنگ نگار
۴۵	آثار عیسی رنگ نگار
۴۹	مالک دیلمی
۴۹	ملک محمود دیلمی
۵۱	شاه میر
۵۱	میرزا احمد
۵۲	خواجه عنایت‌الله
۵۲	شاه صدر

۵۲	.....	امیر فرامرز
۵۳	.....	میر عبدالباقی
۵۳	.....	شهره امیر
۵۳	.....	مالک دیلمی
۶۱	.....	مقدمهٔ مرقع حسین بیگ
۶۷	.....	آثار مالک دیلمی
۷۷	.....	محمدحسین تبریزی
۸۲	.....	آثار محمدحسین تبریزی
۹۱	.....	فصل ۳- اوضاع فرهنگی، هنری و اجتماعی قزوین پیش از ظهور میر عماد
۱۰۷	.....	فصل ۴- زندگی و آثار میر عماد
۱۰۹	.....	نام
۱۰۹	.....	لقب
۱۱۱	.....	نسب
۱۱۱	.....	قطعیّت حسنی بودن میر عماد
۱۱۳	.....	نام پدر
۱۱۳	.....	تاریخ تولد
۱۱۴	.....	آموختن خوشنویسی در قزوین
۱۱۵	.....	عزیمت به تبریز
۱۱۷	.....	بازگشت به قزوین
۱۱۷	.....	میر عماد و علیرضا عباسی
۱۱۸	.....	سفر حجاز
۱۲۰	.....	ورود به خدمت فرهاد خان قرمانلو
۱۲۱	.....	نوشتن قطعاتی در ستایش شاه عباس
۱۲۲	.....	تغییر پایتختی از قزوین به اصفهان
۱۲۳	.....	عزم شاه عباس برای بیرون راندن اوزبکان از خراسان
۱۲۴	.....	فتح هرات
۱۲۵	.....	واکنش میر عماد نسبت به فتح خراسان
۱۲۷	.....	عزیمت میر عماد به هرات
۱۲۷	.....	کشته شدن فرهاد خان قرمانلو

۱۳۰	بازگشت به قزوین
۱۳۲	عزیمت به اصفهان و دادن عریضه به دربار
۱۳۴	دو نکته در خصوص مکتوب میر عماد
۱۳۵	اظهار لطف شاه عباس نسبت به میر عماد
۱۳۵	عزیمت به تبریز
۱۳۶	فتح تبریز
۱۳۸	دستیابی به کمال مطلقِ خطِ نستعلیق
۱۳۸	سفر به قزوین
۱۳۹	بی اقبالی میر عماد
۱۳۹	غم ملامت دشمن
۱۴۲	اتهام تسنن
۱۴۳	تکدر شاه و افول ستاره اقبال میر عماد
۱۴۴	دلگیریِ متقابلِ میر عماد از شاه عباس
۱۴۶	رقابت با میر خلیل قلندر
۱۴۷	ستیزه و لجاجت با شاه
۱۴۹	خوف و رجای میر عماد
۱۵۰	کشته شدن میر عماد
۱۵۱	چگونگی تشییع و تدفین میر عماد
۱۵۲	بازتاب قتل میر عماد در ایران و سرزمین‌های دیگر
۱۵۳	چگونگی کشته شدن میر عماد
۱۵۵	قاتل میر عماد
۱۵۷	انگیزه مقصود مسگر از قتل میر عماد
۱۵۹	پایمال شدن خون میر عماد
۱۶۰	نقش شاه عباس در قتل میر عماد
۱۶۲	پاسخ به یک شبهه
۱۶۴	محل دفن میر عماد
۱۶۴	محلۀ طوقچی و قبرستان آن
۱۶۷	مدفن فعلی میر عماد
۱۶۹	مذهب میر عماد

۱۷۰	قرائن تشیع میر عماد
۱۷۵	جمع بندی
۱۷۶	قرائن تسنن میر عماد
۱۷۹	جمع بندی کلی و نظر نگارنده
۱۸۴	فضایل میر عماد
۱۸۵	فرزندان و شاگردان میر عماد
۱۸۶	افسانه مهاجرت بستگان میر عماد به عثمانی
۱۸۹	کتیبه‌های میر عماد
۱۹۶	رقم‌های میر عماد
۱۹۷	مجلس مشق میر عماد
۱۹۷	عریضه میر عماد
۲۰۵	داستان شاهنامه
۲۰۸	نقد و بررسی
۲۱۰	آثار میر عماد
۲۱۰	کتاب‌ها
۲۱۲	رساله‌ها و جزوه‌ها
۲۱۳	مرقعات
۲۱۵	فصل ۵ - فرزندان و بستگان میر عماد
۲۱۷	میر ابراهیم حسنی
۲۲۰	گوهرشاد
۲۲۵	عبدالرشید دیلمی
۲۳۴	آثار رشیدا
۲۴۸	میر محمد علی
۲۵۰	ملا یحیی قزوینی
۲۵۰	عبدالرزاق قزوینی
۲۵۱	محمد کاظم
۲۵۴	میرزا محمد امین
۲۵۷	فصل ۶ - شاگردان میر عماد و پیروان شیوه او
۲۵۹	عبدالجبّار قزوینی



۲۵۹	آثار عبدالجبار قزوینی
۲۶۶	محراب بیک قزوینی
۲۶۶	مختار بیگ قزوینی
۲۶۶	میرزا ابوتراب اصفهانی
۲۷۰	آثار میرزا ابوتراب اصفهانی
۲۷۶	میرزا تقی مستوفی الممالک
۲۷۷	محمد صالح خاتون آبادی
۲۷۷	آثار محمد صالح خاتون آبادی
۲۷۸	نورای لاهیجی
۲۷۹	آثار نورای لاهیجی
۲۸۱	نورای اصفهانی
۲۸۱	میر ساوجی
۲۸۱	جمشید بیگ
۲۸۲	جمالا
۲۸۳	درویش عبدی بخاری
۲۸۳	آثار درویش عبدی بخاری
۲۸۴	ملا شکوهی همدانی
۲۸۴	ملا احمد جرفادقانی
۲۸۴	میر محمد مقیم تبریزی
۲۸۷	پیروان شیوه میر عماد در دوره قاجار
۲۸۷	پیروان شیوه میر عماد در عثمانی
۲۸۷	احمد سیاهی
۲۸۷	محمد رفیع کاتبزاده
۲۸۸	ولی الدین افندی
۲۸۸	محمد اسعد یساری
۲۸۹	پیروان شیوه میر عماد در هند
۳۰۳	فصل ۷- رقیبان خوشنویسی میر عماد
۳۰۵	علیرضا عباسی
۳۱۴	منزلت خاص علیرضا عباسی نزد شاه عباس

۳۱۸	میر عماد و علیرضا عباسی
۳۲۲	آثار علیرضا عباسی
۳۴۱	میر خلیل باخرزی
۳۴۸	آثار میر خلیل
۳۵۵	فصل ۸ - منابع تحقیق دربارهٔ میر عماد
۳۵۷	منابع ایرانی در عصر صفوی
۳۵۷	قاضی احمد قمی
۳۵۷	نقد و بررسی
۳۵۸	عبدالباقی نهاوندی
۳۵۸	نقد و بررسی
۳۵۸	اسکندر بیک ترکمان
۳۵۹	نقد و بررسی
۳۵۹	میرزا طاهر نصرآبادی
۳۶۰	نقد و بررسی
۳۶۰	محمد صالح اصفهانی
۳۶۳	نقد و بررسی
۳۶۶	منابع ایرانی در عصر افشاریه
۳۶۶	علی قلی خان واله داغستانی
۳۶۷	نقد و بررسی
۳۶۸	منابع ایرانی در عصر قاجار
۳۶۸	میرزا سنگلاخ
۳۷۸	نقد و بررسی
۳۸۵	هدایت‌الله لسان‌الملک سپهر
۳۸۵	نقد و بررسی
۳۸۶	نقاط ضعف
۳۸۶	نقطه قوت
۳۸۶	میرزا حبیب اصفهانی
۳۸۹	نقد و بررسی
۳۹۰	نقاط ضعف

۳۹۱	..... نکات جدید
۳۹۲	..... منابع عثمانی
۳۹۲	..... ابراهیم نفس‌زاده
۳۹۳	..... نقد و بررسی
۳۹۴	..... نقاط ضعف
۳۹۴	..... نکات جدید
۳۹۵	..... مستقیم‌زاده
۳۹۶	..... نقد و بررسی
۳۹۷	..... نقاط ضعف
۳۹۷	..... مطالب جدید
۳۹۸	..... حکاک‌زاده
۳۹۸	..... منابع هندی
۳۹۸	..... بندر این داس خوشگو
۳۹۹	..... نقد و بررسی
۳۹۹	..... مولانا محمد هفت قلمی دهلوی
۴۰۱	..... نقد و بررسی
۴۰۱	..... نقاط ضعف
۴۰۱	..... نکات جدید
۴۰۲	..... محمد مظفر حسین
۴۰۳	..... نقد و بررسی
۴۰۳	..... منابع ایرانی در اواخر قاجار و اوایل پهلوی
۴۰۳	..... عبدالمحمد خان ایرانی
۴۰۹	..... نقد و بررسی
۴۰۹	..... نقاط ضعف
۴۱۱	..... نقاط قوت
۴۱۱	..... نکات جدید
۴۱۲	..... منابع ایرانی در دوره معاصر
۴۱۲	..... دکتر مهدی بیانی
۴۲۶	..... نقد و بررسی

۴۲۶	نقاط ضعف
۴۲۸	نقاط قوت
۴۲۹	محمدعلی کریمزاده تبریزی
۴۲۹	نقاط ضعف
۴۳۳	نقاط قوت
۴۳۴	دیگر منابع دوره معاصر
۴۳۵	برگزیده ای از طرفه آثار میر عماد
۵۳۹	منابع
۵۴۳	فهرست اعلام

## مقدمه

خط نستعلیق در تاریخ خوشنویسی ایران و جهان اسلام، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این خط بسیار زیبا و چشم نواز را ایرانیان با ذوق لطیف و طبع ظریف خود به وجود آوردند و در ترویج آن کوشیدند. خط نستعلیق جامع جمیع زیبایی‌ها، ظرافت‌ها، تناسب‌ها، هماهنگی‌ها و استواری‌هاست و از همین روست که آن را به حق، عروس خطوط اسلامی لقب داده‌اند.

خط نستعلیق، خط ملی ایرانیان و چکیده حس زیبایی دوستی و زیبایی شناسی آنان و نمادی از هنر ناب و اصیل ایرانی است. این دُرّانه خطوط اسلامی نه تنها در ایران، بلکه در شبه قاره هند، ترکیه، آسیای میانه، جهان عرب و دیگر سرزمین‌هایی که تحت نفوذ فرهنگ ارزشمند ایرانی بوده است محبوبیت و دلپذیری فراوانی دارد.

خط نستعلیق با نام میر عماد سیفی حسنی قزوینی به طور تنگاتنگی پیوند خورده است، چرا که این نابغه بزرگ تبار قلم با اعجاز سرانگشتان هنرآفرین خود، این خط را به بالاترین نقطه تکامل و زیبایی رهنمون ساخت. میر عماد با اصلاح، پالایش و زدودن اضافات آثار اساتید پیشین، آنچنان شیوه فاخر و استواری در کتابت این خط پدید آورد که به لطف استحکام و ملاحظت، به الگویی اسطوره‌ای برای خوشنویسان بعد از خود تبدیل شد، به گونه‌ای که هیچ خوشنویسی را گزیری جز پیروی از قواعد و اسلوب وی نیست. خط میر عماد به خاطر زیبایی و قدرت خارق‌العاده و اعجاز‌گونه، از چنان مرتبتی برخوردار است که به صورت ضرب‌المثل و نمادی برای خط بسیار خوش درآمده و به همین دلیل است که مانند میر نوشتن و به درجه وی رسیدن، نهایت آرزوی هر خوشنویسی است.

بنا بر دلایل یاد شده، سخن گزافی نخواهد بود که بگوییم خط نستعلیق پیشرفت، تکامل، ترویج و محبوبیت خود را مرهون میر عماد و آثار بی‌بدیل و ارزنده اوست. دکتر مهدی بیانی درباره عظمت مقام هنری میر عماد می‌نویسد: «از اختراع خط نستعلیق تا مدت یک قرن و نیم، پهلوان عرصه خوشنویسی این خط، میر علی هروی بود و عنوان میر مطلق در این مدت، به یکتا استاد این خط، علی هروی اطلاق می‌شد و کمال خط نستعلیق با این عنوان ملازمه داشت، تا در نیمه دوم قرن دهم، [شخص] دیگری در خط

نستعلیق پا در خط خوشنویسی گذاشت که جمله آثار گذشتگان، حتی میر علی هروی را تحت الشعاع قرار داد. این قهرمان بی‌مانند، میر عماد، خوشنویس شهیر ایران بود که پایه این هنر زیبا را در جایی نهاد که دست هیچ آفریده‌ای، چه در مدت دو قرن قبل از او و چه در طی چهار قرن بعد از او، به آن جایگاه نرسیده و تا این زمان، چشم مادر دهر، چنان نور چشمی را ندیده است. میر عماد از میان هزاران خوشنویس نستعلیق که در مدت شش قرن خودنمایی کردند و آثاری از خود به یادگار گذاشتند، سرآمد همه گردید و حد این خط را به سر حد اعجاز رسانید و در این هنر به جایی رسید که رونق بازار دیگر استادان را بشکست. میر عماد در لطافت قلم و قدرت کتابت، ید بیضا می‌کرد و خط وی بدون اصلاح هم استوار و هم خوش اندام بود.<sup>۱</sup>

خسرو زعیمی نیز می‌نویسد: «با دقت در آثار میر عماد می‌توان نتیجه گرفت که وی آثار کلیه خوشنویسان زبردست پیش از خود را دیده و مشق‌های عملی و نظری بسیار از آن‌ها کرده است، زیرا خط میر عماد معجونی است از زیبایی‌های تمام نستعلیق نویسان قبل از وی.»<sup>۲</sup>

با این که میر عماد دارای شهرت و اعتباری جهانی است، سرگذشتش آن چنان که شایسته مقام شامخ اوست روشن نیست و ابهامات و پرسش‌های فراوانی پیرامون زندگی او وجود دارد، به طوری که شاید بتوان گفت زندگی هیچ خوشنویس و هنرمند دیگری مانند وی این چنین در معرض تحریف و حتی جعل قرار نگرفته و این گونه دستخوش داستان‌پردازی و افسانه‌سازی نگردیده است.

اگر چه تا کنون مطالب متعددی در خصوص زندگی میر عماد توسط تذکره نویسان ایرانی و غیر ایرانی به رشته تحریر درآمده است، اما هیچ یک نتوانسته‌اند حق مطلب را آن گونه که شایسته است ادا نمایند و به تبیین شرح حال دقیق، مستند و واقعی او بپردازند. نگارنده با احساس این نقیصه، در صدد برآمد تا پیرامون احوال این هنرمند برجسته، کتابی تألیف نماید که تا حدی روشنگر سرگذشت وی بوده و از مطالب غیر مستند، معجول و نادرست عاری باشد. بدیهی است که انجام چنین پژوهشی، مستلزم دسترسی به

۱. مرقع گلشن، ص ۷۳.

۲. مقاله «از نستعلیق تا نستعلیق»، خسرو زعیمی، مجله هنر و مردم، سال ۱۶، شماره ۱۸۱، ۱۳۵۶.

اسناد و مدارک معتبر تاریخی است. متأسفانه در خصوص میر عماد به جز آثار و قطعات او و همچنین مطالب تذکره‌های قدیمی، اسناد قابل اعتنای دیگری باقی نمانده است که بر همین اساس، نگارنده سعی نمود در این تحقیق، از منابع یاد شده نهایت حُسن استفاده را به عمل بیاورد. در خصوص این منابع، ذکر توضیحات مختصری ضروری است:

۱. **تذکره‌ها** - از میان تذکره‌های متعددی که به شرح زندگی میر عماد پرداخته‌اند، در نهایت می‌توان چهار تذکره را به لحاظ دربرداشتن صحیح‌ترین و مستندترین اطلاعات، به عنوان ارکان اصلی و مهم شرح حال میر عماد محسوب نمود. این منابع چهارگانه بز مبنای تاریخ نگارششان عبارتند از: گلستان هنر تألیف قاضی احمد قمی، تاریخ عالم‌آرای عباسی اثر اسکندر بیک منشی، تذکره نصرآبادی تألیف میرزا طاهر نصرآبادی و تذکره محمدصالح اصفهانی که از این میان، تذکره محمدصالح اصفهانی به دلیل ارائه آگاهی‌های منحصر به فرد درباره میر عماد، از اهمیت فراوانی برخوردار است.

یکی از عوامل مهم توفیق نگارنده در تألیف کتاب حاضر، دسترسی به متن کامل این تذکره مختصر اما مفید است. محمدصالح اصفهانی فرزند کوچک میرزا ابوتراب خلیفه و شاگرد برجسته میر عماد بود و اطلاعات ارزشمندی را که از پدر خود درباره میر عماد شنیده بود، در تذکره خود به رشته تحریر درآورد.

این تذکره تا مدت‌های مدید گمنام و به دور از دسترس پژوهشگران بود و تنها دکتر مهدی بیانی در کتاب خود، نامی از آن به میان آورده بود. با این که آن مرحوم، رونوشتی از نسخه خطی این تذکره در اختیار داشت، متأسفانه در هنگام نوشتن شرح حال میر عماد، استفاده چندانی از آن به عمل نیاورد و در نتیجه، مطالب این تذکره ارزشمند همچنان تا چند دهه در محاق گمنامی و فراموشی باقی ماند.

بخت با نگارنده یار بود که متن کامل این تذکره ارزشمند در سال ۱۳۸۵ به کوشش آقای پژمان فیروزیخس در مجله نامه بهارستان به چاپ رسید که بررسی و تعمق در مطالب آن در کشف، استنتاج و تحلیل‌های نگارنده نقشی مهم و اساسی داشت.

۲. **آثار و قطعات میر عماد** - آثار به جا مانده از میر عماد نیز به دلایل زیر، از اهمیت فراوانی برخوردارند:

- بیانگر حالات، روحیات و تفکرات میر عماد در زمان‌های گوناگون هستند.
- در خصوص تعیین محل اقامت میر عماد در شهرها و مناطق مختلف همچون:

قزوین، اصفهان، تبریز، مازندران، هرات، حلب، بغداد و ... اطلاعات مهم و مؤثری را به دست می دهند.

- مهم‌ترین و ارزشمندترین جنبه قطعات میر عماد، آن دسته از آثار اوست که آگاهی‌های مهمی را در خصوص نوع روابط او با شاه عباس صفوی در اختیار می‌گذارد. این آثار شامل: عریضه‌ها، قطعات ستایش‌آمیز و قطعات گلایه‌آمیز هستند.

به غیر از این دو منبع، یعنی تذکره‌ها و آثار میر عماد، نگارنده ناگزیر بوده است برای تدوین شرح حال میر عماد و پاسخ‌گویی به ابهامات موجود، به تحلیل و استنتاج نیز متوسل گردد که این تحلیل‌ها نه بر مبنای تمایلات، جهت‌گیری‌ها و یا تعصبات شخصی، که با توجه به قرائن و شواهد و واقعیات موجود بوده است.

در یک جمع بندی کلی باید گفت کتاب حاضر به لحاظ بهره‌گیری از تمام اسناد و مدارک موجود، تجزیه و تحلیل‌های مبتنی بر واقعیت، روشن نمودن زوایای مبهم و تاریک و ارائه مطالب نو، کامل‌ترین منبع در خصوص سرگذشت میر عماد تا حال حاضر محسوب می‌شود. قضاوت این که این سخن تا چه اندازه با واقعیت منطبق می‌باشد، بر عهده صاحب‌نظران، محققین و علاقه‌مندان است.

از جمله مطالبی که برای اولین بار در این کتاب به آن اشاره شده، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- اثبات قطعیت حسنی بودن میر عماد.

- تصحیح سال تولد میر عماد از غلط مشهور ۹۶۱ به ۹۵۸ هجری قمری.

- اثبات شاگردی میر عماد نزد عیسی رنگ‌نگار و مالک دیلمی.

- رد افسانه مهاجرت بستگان میر عماد به عثمانی.

- انتقال قبر میر عماد از قبرستان خارج دروازه طوقچی به مسجد مقصود بیک.

یکی دیگر از قسمت‌های مهم و قابل‌اعتنای کتاب حاضر که افقی نو در خصوص سرگذشت میر عماد در منظر پژوهشگران و علاقه‌مندان می‌گشاید، فصل «منابع تحقیق درباره میر عماد» است که به خوبی خواننده را در جریان حذف‌ها، اضافات، جعل‌ها، تحریف‌ها و آوردن مطالب نادرست درباره میر عماد از عصر صفوی تا کنون قرار می‌دهد. همچنین ذکر این نکته ضروری است که علاوه بر زندگی میر عماد، نسبت به تدوین زندگی نامه اساتید، شاگردان، بستگان و رقیبان او نیز اقدام گردیده که برخی از این زندگی‌نامه‌ها جزو



کامل‌ترین شرح حال‌ها در خصوص این خوشنویسان به شمار می‌رود. در کتاب حاضر، قطعات ارزشمندی از میر عماد و خوشنویسان دیگر به چاپ رسیده که برخی از آن‌ها برای اولین بار منتشر می‌گردد. وظیفه خود می‌دانم از جناب آقای احسان شکراللهی طالقانی که مجموعه ارزشمند دیجیتالی خود را در اختیار اینجانب قرار دادند تشکر نمایم.

از پژوهشگر و خوشنویس ارجمند، جناب آقای دکتر حمیدرضا قلیچ‌خانی که چند قطعه از آثار مجموعه ارزشمند دیجیتالی خود و از جمله، قطعه منتشر نشده‌ای از محمدحسین تبریزی را در اختیار اینجانب قرار دادند سپاسگزاری می‌نمایم. از دوست نادیده ارجمند، جناب آقای حسین روزبهانی که عکس‌های مقبره میر عماد در مسجد مقصود بیگ و همچنین عکس‌های کتیبه تکیه میرفندرسکی در تخت فولاد اصفهان را برای نگارنده از اصفهان ارسال نمودند صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایم. لازم به ذکر است عکس‌های این کتیبه، تاکنون منتشر نشده و برای اولین بار در این کتاب به چاپ می‌رسد. از جناب آقای حسن صفیاری که تصویر شماره ۱۳۶۰۵ روزنامه اطلاعات مورخه پنج‌شنبه اول مهر سال ۱۳۵۰ را برای نگارنده ارسال نمودند، تشکر می‌نمایم. از جناب آقای عنایت‌الله مجیدی که برخی از منابع مورد نیاز نگارنده را در اختیار اینجانب قرار دادند قدردانی می‌کنم. همچنین از جناب آقای دکتر سیدمحمدحکاک که انتخاب نام کتاب به پیشنهاد ایشان بوده است سپاسگزاری می‌نمایم. از جناب آقای دکتر محمد آئینه‌چی که تصویر قطعه خطی از عیسی‌رنگ نگار را از کتابخانه ملی تهیه نموده و جهت چاپ در کتاب حاضر در اختیار نگارنده قرار دادند، تشکر می‌نمایم. در خاتمه، خاشعانه خداوند متعال را شاکرم که به بنده ناتوان خود، توفیق اتمام این اثر را عطا فرمود.

مهدی نورمحمدی

قزوین: صندوق پستی ۱۷۹۳ - ۳۴۱۸۵

mehdi.nour.m@gmail.com



سال شمار وقایع تاریخی  
از تولد تا مرگ میر عماد  
(بر مبنای هجری قمری)

- تولد میر عماد سیفی حسنی در قزوین / ۹۵۸
- درگذشت قاضی جهان سیفی حسنی / ۱۷ ذی حجه ۹۶۰
- انتصاب سلطان ابراهیم میرزا صفوی از سوی شاه طهماسب به حکومت خراسان / ۹۶۴
- عزیمت مالک دیلمی به خراسان به همراهی شاهزاده سلطان ابراهیم میرزا صفوی / ۹۶۴
- تعلیم خوشنویسی و قطعه نویسی توسط مالک دیلمی در مشهد به علاقه مندان / ۹۶۴
- به پایان رسیدن ساخت دولتخانه و باغ سعادت آباد دارالسلطنه قزوین / ۹۶۵
- احضار مالک دیلمی به قزوین توسط شاه طهماسب به منظور نگارش کتیبه‌های عمارت‌ها و کاخ‌های دولتخانه قزوین / ۹۶۵
- نگارش غزل حافظ در کتیبه ایوان چهل ستون قزوین، بر بوم طلا به خط لاجورد، توسط مالک دیلمی / ۹۶۶
- درگذشت شرف جهان قزوینی / ۱۷ ذی قعدة سال ۹۶۸
- آموزش خوشنویسی میر عماد نزد مالک دیلمی / بین سال‌های ۹۶۸ تا ۹۶۹؟
- نگارش غزل حسام‌الدین مداح در سردرها و پنجره‌های ایوان چهل ستون قزوین توسط مالک دیلمی / بین ۹۶۶ تا ۹۶۹
- نگارش شعر قاضی عطاءالله رازی در دولتخانه صفوی قزوین توسط مالک دیلمی / ۹۶۹
- درگذشت مالک دیلمی / ۱۸ ذی حجه ۹۶۹
- درگذشت میرزا کافی، از خوشنویسان و منشیان دربار شاه طهماسب در قزوین / ۹۸۲
- درگذشت مهین بانو صفوی خواهر تنی شاه طهماسب در قزوین / ۹۶۹
- آموزش خوشنویسی میر عماد نزد عیسی رنگ نگار / بین ۹۶۹ تا ۹۸۴
- عزیمت میر عماد به تبریز و آموزش خوشنویسی نزد محمدحسین تبریزی / بین ۹۷۰ تا ۹۸۵
- درگذشت رستم علی خراسانی خوشنویس برجسته در مشهد / ۹۷۰
- درگذشت قاضی الویگ اردوبادی، از خوشنویسان و منشیان دربار شاه طهماسب در قزوین / ۹۷۳

درگذشت عبدالهادی، برادر همسر مالک دیلمی و از خوشنویسان، شعرا و موسیقی دانان  
مشهور قزوین/ ۹۷۶

درگذشت محمد بیک، از خوشنویسان و منشیان دربار شاه طهماسب در قزوین/ ۹۸۲  
درگذشت شاه طهماسب صفوی/ ۱۵ صفر ۹۸۴  
کشته شدن سلطان حیدر میرزا پسر شاه طهماسب به فرمان پریخان خانم و توسط  
هواداران شاه اسماعیل دوم/ ۱۶ صفر ۹۸۴

عزیمت میر محمدحسین باخرزی خوشنویس مشهور از قزوین به خراسان/ ۹۸۴  
حرکت اسماعیل میرزا از قلعه قهقهه به سوی قزوین/ ۲۲ صفر ۹۸۴  
ورود اسماعیل میرزا به قزوین/ ۱۷ ربیع الاول ۹۸۴  
جلوس شاه اسماعیل دوم بر تخت سلطنت در ایوان چهل ستون قزوین/ ۲۷  
جمادی الاول ۹۸۴

انتصاب عیسی رنگ نگار به تولیت امامزاده‌ای در کاخک گناباد/ ۹۸۴  
عزیمت عیسی رنگ نگار به کاخک گناباد/ ۹۸۴  
درگذشت عیسی رنگ نگار/ بین ۹۸۴ تا ؟  
ورود میر سید احمد مشهدی خوشنویس مشهور از مشهد به قزوین به دعوت شاه  
اسماعیل دوم/ ۹۸۴

کشته شدن سلطان سلیمان میرزا و سلطان مصطفی میرزا پسران شاه طهماسب به  
دستور شاه اسماعیل دوم/ ۷ شعبان ۹۸۴  
تشییع جسد شاه طهماسب از باغچه حرم دولتخانه به شاهزاده حسین (ع) به دستور  
شاه اسماعیل دوم/ ۲۷ شعبان ۹۸۴  
کشته شدن شاهزاده سلطان ابراهیم میرزا برادرزاده و داماد شاه طهماسب به دستور شاه  
اسماعیل دوم/ ۵ ذی حجه ۹۸۴

کشته شدن امامقلی میرزا، سلطان محمود میرزا، سلطان احمد میرزا و محمدحسین  
میرزا شاهزادگان صفوی به دستور شاه اسماعیل دوم/ ۷ ذی حجه ۹۸۴  
کشته شدن شاهزاده بدیع الزمان میرزا و پسرش در سیستان توسط تیمور خان استاجلو  
و به دستور شاه اسماعیل دوم/ غره محرم ۹۸۵

درگذشت شاهزاده گوهر سلطان خانم دختر شاه طهماسب و همسر شاهزاده سلطان

ابراهیم میرزا / ۱۷ ربیع الاول ۹۸۵

عزل میرزا شکرالله از وزارت و انتصاب میرزا سلمان به جای وی / ۱۷ ربیع الاول ۹۸۵

شیوع طاعون در قزوین / ربیع الثانی ۹۸۵

قتل شاهزاده سلطان حسن میرزا پسر محمد میرزا خدابنده در تهران به دستور شاه

اسماعیل دوم / ۲۱ جمادی الاول ۹۸۵

درگذشت محمدحسین تبریزی استاد میر عماد در قزوین / ۱۷ رجب ۹۸۵

مرگ شاه اسماعیل دوم در قزوین / ۱۳ رمضان ۹۸۵

عزیمت میر سید احمد مشهدی از قزوین به مازندران / رمضان ۹۸۵

حرکت سلطان محمد میرزا خدابنده از شیراز به قزوین برای رسیدن به سلطنت / ۱۸

شوال ۹۸۵

ورود سلطان محمد میرزا خدابنده به قزوین / ۴ ذی حجه ۹۸۵

جلوس سلطان محمد خدابنده بر تخت سلطنت در قزوین / ۵ ذی حجه ۹۸۵

کشته شدن پریخان خانم دختر شاه طهماسب توسط خلیل خان افشار به دستور

سلطان محمد خدابنده / ۸ ذی حجه ۹۸۵

درگذشت میر سید احمد مشهدی در مازندران / ۹۸۶

کشته شدن خیرالنساء بیگم مشهور به مهد علیا، همسر سلطان محمد خدابنده و مادر

شاه عباس توسط امرای قزلباش در قزوین / اول جمادی الثانی ۹۸۷

یورش جلال خان اوزبک به خراسان و شکست خوردن و کشته شدن او به دست

مرتضی قلی خان حاکم مشهد / ربیع الاول ۹۸۶

درگذشت شهربانو خانم صفوی دختر شاه طهماسب در قزوین / ۱۸ ذی حجه ۹۹۱

قتل میرزا سلمان وزیر توسط امرای قزلباش / ۹۹۱

اشغال تبریز توسط سپاه عثمانی و قتل عام و غارت گسترده اهالی توسط آنان / رمضان

و شوال ۹۹۴

ورود علیرضا تبریزی از تبریز به قزوین و کتابت و قطعه نویسی او در مسجد جامع / ۹۹۴

کشته شدن شاهزاده حمزه میرزا به دست خداوردی دلاک / ۲۸ ذی حجه ۹۹۴

خروج عباس میرزا از مشهد به قصد جلوس به تخت سلطنت / رمضان ۹۹۵

تولد صفی میرزا پسر بزرگ عباس میرزا / ۱۲ شوال ۹۹۵

ورود عباس میرزا به قزوین و جلوس وی به تخت سلطنت در ایوان چهل ستون/ ۱۴  
ذی قعدة ۹۹۵

درگذشت بابا شاه اصفهانی خوشنویس برجسته در بغداد/ ۹۹۶  
درگذشت محترم کاشانی/ ۹۹۶

درگذشت حافظ حسین کربلایی، از دوستان نزدیک محمدحسین تبریزی در دمشق/ ۹۹۷  
اشغال مشهد توسط ازبکان و قتل عام و غارت مردم توسط آنان/ ۲۰ ذی قعدة ۹۹۷  
درگذشت میرزا محمد، از منشیان و خوشنویسان دربار شاه اسماعیل دوم و سلطان  
محمد خدابنده/ ۹۹۷

انعقاد قرارداد صلح بین شاه عباس و سلطان مراد عثمانی/ ۹۹۸  
ورود علیرضا تبریزی در دستگاه فرهاد خان فرهاد خان قرمانلو، از سرداران مشهور  
شاه عباس در قزوین و انجام کتابت برای وی/ احتمالاً از ۹۹۹  
درگذشت محمد امین منشی، از خوشنویسان و منشیان دربار شاه طهماسب و شاه  
عباس در قزوین/ ۱۰۰۱

همراهی علیرضا تبریزی با فرهاد خان قرمانلو در سفرهای خراسان و مازندران/ از  
۹۹۹ تا ۱۰۰۱

رسیدن آوازه علیرضا تبریزی به گوش شاه عباس و خواستن وی از فرهاد خان/ ۱۰۰۱  
راهیابی علیرضا تبریزی به خدمت شاه عباس در قزوین به عنوان ندیم و خوشنویس  
مخصوص/ اول شوال ۱۰۰۱

نگارش کتیبه سردر عالی قاپوی قزوین توسط علیرضا عباسی به خط ثلث بسیار عالی/  
احتمالاً بین سالهای ۱۰۰۱ تا ۱۰۰۶

قتل درویش رضا و یوسفی ترکش دوز، از سران دراویش نقطوی در قزوین به دستور  
شاه عباس/ ۱۰۰۲

خروج میر عماد از قزوین به قصد سفر حجاز/ اواخر ۱۰۰۲  
ورود میر عماد به بغداد، حلب و دمشق در راه عزیمت به سفر حجاز/ ۱۰۰۳  
درگذشت سلطان محمد خدابنده در قزوین به مرض اسهال/ ۱۰۰۴  
ورود میر عماد به دمشق، حلب و بغداد در راه بازگشت از سفر حجاز/ ۱۰۰۴  
اعزام فرهاد خان به خراسان توسط شاه عباس به منظور دفع تجاوزات اوزبکان/ ۱۰۰۴

- تفویض حکومت گیلان، سمنان، دامغان، بسطام، فیروزکوه، بیارجمند و هزارگریب به فرهاد خان از سوی شاه عباس / ۱۰۰۴
- فرستادن فرهاد خان به خراسان و سپردن زمام کلّ امور این ایالت توسط شاه عباس به منظور دفع تجاوزات اوزبکان / ۱۰۰۴
- درگذشت خواجه مجدالدین ابراهیم، خوشنویس و وزیر پریخان خانم در قزوین / ۱۰۰۴
- ورود میر عماد به خدمت فرهاد خان قرمانلو به عنوان منشی و کاتب / ۱۰۰۵
- اعطای حکومت مازندران به فرهاد خان از سوی شاه عباس / ۱۰۰۵
- نوشتن قطعاتی در ستایش شاه عباس توسط میر عماد / ۱۰۰۵ و ۱۰۰۶
- عزیمت فرهاد خان به لرستان، خوزستان و مازندران و همراهی میر عماد با او در این سفرها / ۱۰۰۶
- انتخاب اصفهان به پایتختی توسط شاه عباس / ۱۰۰۶
- فتح مشهد توسط فرهاد خان / اواخر ذی قعدۀ ۱۰۰۶
- ورود شاه عباس به مشهد و زیارت بارگاه مطهر رضوی / ۲۴ ذی قعدۀ ۱۰۰۶
- شکست فرهاد خان قرمانلو از دین محمد خان اوزبک در چهارفرسخی هرات / جمعه ۶ محرم ۱۰۰۷
- شکست خوردن دین محمد خان اوزبک از شاه عباس و فتح هرات توسط لشکر ایران / محرم ۱۰۰۷
- کشته شدن دین محمد خان پادشاه اوزبک / محرم ۱۰۰۷
- کتابت قطعۀ ستایش آمیز میر عماد بابت پیروزی شاه عباس بر اوزبکان / ۱۰۰۷
- سفر میر عماد به مشهد و زیارت بارگاه قدس رضوی / ۱۰۰۷
- اعطای حکومت هرات به فرهاد خان قرمانلو توسط شاه عباس / محرم ۱۰۰۷
- عزیمت اطرافیان فرهاد خان و از جمله میر عماد به هرات / محرم ۱۰۰۷
- کشته شدن فرهاد خان قرمانلو توسط الله ویردینخان به دستور شاه عباس / ۲۵ محرم ۱۰۰۷
- بازگشت میر عماد به قزوین / ۱۰۰۷
- درگذشت میر صدرالدین محمد، فرزند شرف جهان قزوینی و از خوشنویسان و موسیقی دانان مشهور قزوین / ربیع الاول سال ۱۰۰۷
- گرفتن منصب کتابداری از صادقی بیک افشار توسط علیرضا عباسی به جبر / ذی قعدۀ ۱۰۰۷

- شکایت صادقی بیک افشار از علیرضا عباسی نزد شاه عباس به خاطر گرفتن منصب کتابداری / ذی قعدة ۱۰۰۷
- عزیمت میر عماد به اصفهان و دادن عریضه به شاه عباس برای راهیابی به دربار / ۱۰۰۸
- ایراز لطف شاه عباس به میر عماد / ۱۰۰۸
- مطالعه و بررسی دقیق و موشکافانه شیوه اساتید خط نستعلیق همچون: سلطانعلی مشهدی، میر علی هروی، باباشاه اصفهانی و ... توسط میر عماد / از ۱۰۰۸ به بعد
- عزیمت شاه عباس از اصفهان به مشهد با پای پیاده / ۱۰۱۰
- آغاز عملیات مرمت ابنیه آستان قدس رضوی توسط شاه عباس / ۱۰۱۰
- سفر میر عماد به قزوین و تبریز / ۱۰۱۰
- تسخیر بحرین توسط الله‌ویردی خان / ۱۰۱۰
- نگارش کتیبه محراب مسجد مقصود بیک اصفهان توسط علیرضا عباسی / ۱۰۱۱
- پیوستن امیر گونه بیگ قاجار داروغه قزوین و نیروهای تحت امر وی به سپاه شاه عباس در لشکرکشی به آذربایجان / ۱۰۱۲
- فتح تبریز توسط شاه عباس و پایان دادن به اشغال ۲۰ ساله این شهر / ربیع‌الثانی ۱۰۱۲
- اعطای حکومت ایروان به امیرگونه بیگ قاجار قزوینی توسط شاه عباس بعد از فتح قلعه ایروان / ۱۰۱۲
- نگارش کتیبه ایوان مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان توسط علیرضا عباسی / ۱۰۱۲
- سفر میر عماد به قزوین / ۱۰۱۴
- درگذشت محمدامین، از شاگردان محمدحسین تبریزی در قزوین / ۱۰۱۵
- دستیابی میر عماد به کمال خط نستعلیق / از ۱۰۱۵؟
- حسادت حاسدان و بغض آنان به میر عماد به خاطر دستیابی وی به کمال مطلق خط نستعلیق / از ۱۰۱۵؟
- سفر میر عماد به قزوین / ۱۰۱۶
- پایان یافتن طلاکاری گنبد مطهر رضوی / ۱۰۱۶
- نگارش کتیبه گنبد مطهر رضوی به خط ثلث توسط علیرضا عباسی / ۱۰۱۶
- حمله امیرگونه خان به گرجیان آخسقه و حدود ارض روم و غارت آن منطقه به فرمان شاه عباس / ۱۰۱۸



فوت حسینقلی بیگ قاجار برادر امیرگونه خان/ ۱۰۱۸  
ورود میر خلیل خوشنویس، ایلچی ابراهیم عادل شاه دوم پادشاه دکن به ایران و  
آوردن تَخَف و هدایای نفیس برای شاه عباس/ ۱۱ ربیع‌الاول ۱۰۱۸  
وارد شدن اتهام تسنن به میر عماد/ از ۱۰۱۸؟  
افول ستاره اقبال میر عماد و تکدر شاه از وی/ از ۱۰۱۸؟  
ایجاد رقابت هنری شدید بین میر خلیل خوشنویس و میر عماد/ بین ۱۰۱۸ تا ۱۰۲۳  
دلگیری میر عماد از شاه عباس به خاطر ابراز لطف و مرحمت شاهانه به علیرضا  
عباسی/ از ۱۰۱۸؟  
دادن قطعات تند و گفتن سخنان درشت از سوی میر عماد به شاه عباس/ از ۱۰۱۸؟  
خرید خانه‌های علیرضا عباسی توسط شاه عباس به مبلغ سیصد تومان برای احداث  
مسجد جامع عباسی در اصفهان/ ۱۵ صفر ۱۰۲۰  
خریداری باغ جنت از علیرضا عباسی توسط شاه عباس به منظور احداث محله  
تبریزیان در اصفهان/ آخر صفر ۱۰۲۰  
بازگشت میر خلیل خوشنویس به دکن پس از حدود شش سال اقامت در ایران/ ۱۰۲۳  
شدت یافتن تکدر و خشم شاه عباس نسبت به میر عماد به خاطر شیوع اتهام تسنن  
و فرستادن قطعات کنایه آمیز به دربار/ از ۱۰۲۳؟  
اعزام حسین بیگ قباچچی تبریزی، درویش بیگ مرعشی و شاه قلی بیگ زیگ به  
عنوان سفرای ایران به دکن از سوی شاه عباس/ ۱۰۲۳  
ملاقات‌های مکرر شاه عباس و استاد مقصود مسگر قزوینی و بدگویی شاه از میر  
عماد/ ۱۰۲۴

نوشتن قطعاتی در ستایش شاه عباس از سوی میر عماد/ ۱۰۲۴  
کشته شدن میر عماد به دست مقصود بیگ مسگر/ ۱۰۲۴



«فصل ۱»

خاندان سیفی حسنی قزوین



## قاضی سیف‌الدین محمد حسنی قزوینی

میر عماد، برخاسته از خاندان سیفی حسنی است. این طایفه، از خاندان‌های قدیمی و با سابقه قزوین محسوب می‌شوند. نسب این خانواده به قاضی سیف‌الدین محمد حسنی، قاضی القضاة سلطانیه، قزوین، ابهر، زنجان و طارمین در قرن هشتم هجری قمری می‌رسد. وی از علمای بزرگ قزوین در عصر اولجایتو<sup>۱</sup> و پیرو مذهب شافعی بود. خاندان سیفی، نسب خود را از نام وی برگرفته‌اند. منصب قضای شهر قزوین از قاضی سیف‌الدین محمد حسنی تا اواسط قرن دهم هجری، بر عهده این خاندان بوده است. حمدالله مستوفی در فصل هشتم از باب ششم «تاریخ گزیده»، در قسمت «ذکر قبایل قزوین و بزرگانی که از ایشان برخاسته‌اند»، درباره وی می‌نویسد: «مولانا مرتضی اعظم، اقصی القضاة و الحکام، مبین الشرایع و الاحکام، سیف‌الملة و الدین، محمدالحسنی قاضی القضاة دارالملک سلطانیه و تومان قزوین و ابهر و زنجان و طارمین است و متابع مذهب امام اعظم شافعی رضی الله عنه و در قطع قضایا، از جاده شرع تجاوز نمی‌کند.»<sup>۲</sup>

نسب قاضی سیف‌الدین محمد با چندین واسطه به امام حسن مجتبی (ع) می‌رسد، از همین روست که اولاد و احفاد وی به خاندان سیفی حسنی مشهور شده‌اند. سید احمد بن محمد بن عبدالرحمن کیاء گیلانی در کتاب خود که آن را در سال ۹۷۶ هجری قمری و در زمان سلطنت شاه طهماسب تألیف کرده، نسب نامه قاضی سیف‌الدین محمد را تا امام حسن مجتبی (ع) چنین ثبت کرده است: «قاضی سیف‌الدین محمد بن امیر کاآحمد ابن علی بن ناصر بن محمد بن ولی خان بن آقا جان بن امیر حاج بن محمد بن عزالدین بن نظام‌الدین بن ابی هاشم بن عراقی بن داعی بن زید أبو‌العباس بن أحمد امیرکا بن حسن الضریر ابن المعروف ابن مقعدة بن زید بن علی بن عبدالرحمن بن قاسم بن حسن بن زید بن امام حسن علیه السلام.»<sup>۳</sup>

با توجه به این سند تاریخی، اثبات می‌شود که نسب میر عماد به امام حسن مجتبی (ع) می‌رسد و به همین دلیل است که در قطعات خود، سیفی حسنی رقم می‌زده است.

۱. وی در ابتدا اولجایتو نام داشت و بعد از قبول مذهب تشیع، به سلطان محمد خدابنده ملقب شد. این ایلخان مغول، در بنای تاریخی سلطانیه مدفون است.

۲. تاریخ گزیده، ص ۷۹۸.

۳. سراج‌الانساب، ص ۴۴.

### حسنِ ضریر

قدیمی‌ترین نیای شناخته شده قاضی سیف‌الدین محمد حسنی که در قزوین سکونت اختیار کرده، حسنِ ضریر است که نَسَب وی با هشت واسطه به امام حسن مجتبی (ع) می‌رسد. اگر به طور متوسط فاصله زمانی هر نسل را سی سال محسوب کنیم، چنین استنباط می‌شود که حسنِ ضریر، در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری قمری می‌زیسته و در همین دوران در قزوین سکونت داشته است، زیرا سید احمد بن محمد بن عبدالرحمن کیاء گیلانی در خصوص او می‌نویسد: «[حسن] ضریر قزوینی، که مقدم و رئیس سادات قزوین بوده در عصر خود و نسل او در قزوین بسیار است.»<sup>۱</sup>

### سید عزالدین احمد

سید عزالدین احمد، پدر قاضی سیف‌الدین محمد حسنی است. وی منصب نقابت داشت و از معاشران شیخ جمال‌الدین گیل، زاهد مشهور بود. حمدالله مستوفی در فصل هشتم از باب ششم «تاریخ گزیده»، در قسمت «ذکر قبایل قزوین و بزرگانی که از ایشان برخاسته‌اند»، درباره وی می‌نویسد: «سید عزالدین احمد که درین زمان نقابت کرد، سیدی عاقل [و] فاضل بود و مجالست بیشتر با شیخ جمال‌الدین گیل داشتی و اکثر بنین و بنات ایشان متقی و پرهیزکار باشند و از سب صحابه محترز و درین عهد از ایشان، مولانا مرتضی اعظم، اقاضی القضاة و الحکام، مبین الشرایع و الاحکام، سیف الملة و الدین، محمدالحسنی قاضی القضاة دارالملک سلطانیه و تومان قزوین و ابهر و زنجان و طارمین است و متابع مذهب امام اعظم شافعی رضی الله عنه و در قطع قضایا، از جاده شرع تجاوز نمی‌کند.»<sup>۲</sup>

توجه به نوشته سید احمد بن محمد بن عبدالرحمن کیاء گیلانی مشخص می‌دارد که خاندان سیفی از طوایف پرجمعیت قزوین بوده و در همان عصر، شعبه‌ای از آنان در سلطانیه، طهران و ری سکونت داشته‌اند. وی در این خصوص، پس از معرفی قاضی جهان سیفی وزیر شاه طهماسب و شرف جهان فرزند او و امیر صدرالدین محمد و امیر روح‌الله فرزندان شرف جهان می‌نویسد: «ایشان را بنی اعمام و فرزندان در دارالموحدین

۱. سراج‌الانساب، ص ۴۰.

۲. تاریخ گزیده، ص ۷۹۸.

قزوین بسیار است و از همین قبیله، شعبه‌ای در سلطانیه و طهران ری هستند.<sup>۱</sup> پس از بررسی نسب خاندان سیفی قزوین، به شرح زندگی برخی از مشاهیر و معاریف این خاندان که از دوران شاه اسماعیل تا شاه عباس مصدر خدمات اجتماعی، سیاسی و ادبی بوده‌اند می‌پردازیم:

### قاضی جهان

قاضی جهان، از بزرگان خاندان سیفی قزوین بود و سال‌ها وزارت و وکالت شاه طهماسب صفوی را بر عهده داشت. نسب وی با چهار واسطه، به قاضی سیف‌الدین حسنی قزوینی می‌رسد. پدرش نورالهدی نیز اعلم علمای قزوین بود و عنوان قاضی القضااتی این شهر را بر عهده داشت. منصب قضای قزوین از قاضی جهان تا قاضی سیف‌الدین حسنی، پدر بر پدر به این خانواده اختصاص داشته است.

سید احمد بن محمد بن عبدالرحمن کیا گیلانی در کتاب خود، سلسله نسب قاضی جهان را به دو صورت ضبط کرده است:

(۱)

«نسب شریف حضرت مرحوم مغفور، قاضی جهان بن نورالهدی بن قطب‌الدین بن عبدالله بن شمس‌الدین محمد بن قاضی سیف‌الدین محمد بن امیرکأحمد ابن علی بن ناصر بن محمد بن ولی خان بن آقا جان بن امیر حاج بن محمد بن عزالدین بن نظام‌الدین بن ابی هاشم بن عراقی بن داعی بن زید ابوالعباس بن أحمد امیرکا بن حسن الضریر ابن المعروف ابن مقعدة بن زید بن علی بن عبدالرحمن بن قاسم بن حسن بن زید بن امام حسن علیه‌السلام»<sup>۲</sup>

(۲)

«حضرت سید الجلیل المرحوم المغفور ظهیراً للسیادة و الافاضة و الاقبال قاضی جهان بن سید الفاضل قاضی القضاة امیر نورالهدی بن سید الفاضل قطب‌الدین حیدر بن سید جمال‌الدین عبدالله القاضی ابن سیف‌الدین قاضی سلطانیه و ابهر و طارم ابن سید الفاضل

۱. سراج‌الانساب، ص ۴۱.

۲. همان، ص ۴۴.

الزاهد أميركا أحمد بن تاج‌الدين على بن کمال‌الدين ناصر بن أبى سليمان أميرکا بن أمير هاشم داعى بن عراقى أبى هاشم داعى رضى‌الدين زيد بن أبوالعباس أميرکا أحمد بن الحسن البصرى المذكور.

و عقب حضرت مشارالیه از یک پسر است: سيد الفاضل الحسيب النسيب، المرحوم المغفور ذوالفصاحة و البلاغة، ميرزا شرف جهان و الحال ميرزا شرف جهان را دو پسر است: امير صدرالدين محمد و امير روح‌الله و ایشان را بنى اعمام و فرزندان در دارالموحدين قزوین بسیار است و از همین قبیله، شعبه‌ای در سلطانیه و طهران ری هستند.<sup>۱</sup> قاضی جهان در سال ۸۸۸ هجری قمری در قزوین به دنیا آمد. در ابتدا بنا به سابقه اجدادی، در زادگاه خود به قضاوت مشغول بود. سپس به اردوی شاه اسماعیل پیوست و از سوی او، مأمور اجرای طرح آبرسانی از رود فرات به نجف اشرف شد که این مأموریت را با موفقیت به پایان رساند.<sup>۲</sup>

از این به بعد، ترقیات او در دربار صفوی آغاز شد به طوری که ابتدا به وزارت میرزا شاه حسین، وزیر شاه اسماعیل رسید<sup>۳</sup> و بعدها نیز از سوی شاه طهماسب به وزارت و کالت دست یافت و از سوی او ملقب به «قاضی جهان» شد. شاه طهماسب در سال ۹۳۲ قمری در این خصوص می‌نویسد: «قاضی جهان قزوینی را که از سادات سیفی است و به شرف علم و فضل و حُسن خط و انشاء و آداب و رسوم عدیل نداشت، به جای میرزا شاه حسین، وزارت و صاحب دیوانی دادم.»<sup>۴</sup>

قاضی جهان در مجموع، در سه مرحله، وزارت شاه طهماسب را بر عهده داشت که بار اول برای مدتی کوتاه در سال ۹۳۲ قمری، مرتبه دوم با مشارکت میر عنایت‌الله و دفعه سوم پس از کشته شدن میر عنایت‌الله، به مدت ۱۵ سال در کمال عظمت و اقتدار به طور مستقل وزارت کرد.<sup>۵</sup>

در مرتبه سوم وزارت، تقرّب و نفوذ قاضی جهان به اندازه‌ای رسید که در فرمان‌های

۱. سراج‌الانساب، ص ۴۱.

۲. خلاصة التواریخ، ج ۱، صص ۳۶۳ و ۳۶۴.

۳. تاریخ عالم‌آرای عباسی، ج ۱، ص ۲۵۲.

۴. تذکره شاه طهماسب، ص ۳.

۵. تاریخ عالم‌آرای عباسی، ج ۱، ص ۲۵۳.



صادر شده از سوی شاه طهماسب، مطالبی را به دلخواه خود اضافه می‌کرد. چون شاه او را از این اقدام منع کرد، از سمت خود استعفا داد و وزارت را ترک گفت، اما شاه که به خدمت او احتیاج داشت، وی را به منصب خود بازگرداند و اجازه داد هر مطلبی که می‌خواهد به فرمان‌ها بیفزاید.<sup>۱</sup>

شاه طهماسب که همواره به رأی و صوابدید قاضی جهان عمل می‌کرد و آنچه را که وی به عرض می‌رساند بدون درنگ انجام می‌داد، در اواخر وزارت او، اجرای عریضه‌هایش را به دفع‌الوقت می‌گذراند و خواسته‌هایش را با تأخیر انجام می‌داد. قاضی جهان این وضع را نشانه‌ای بر میلی شاه نسبت به خود دانست و در اواخر سال ۹۵۵ قمری، ضعف ناشی از پیری و نداشتن توانایی همراهی با شاه در سفرهای مکرر را بهانه قرار داد و از سمت خود استعفا کرد. شاه طهماسب که قبلاً سوگند یاد کرده بود تا هنگامی که قاضی جهان در قید حیات است، او را عزل نکند، این بار استعفای او را پذیرفت.<sup>۲</sup>

قاضی جهان که در اواخر سال ۹۶۰ قمری به عزم دیدار با شاه به اردوی سلطنتی رفته بود، در هنگام بازگشت، در غروب روز ۱۷ ذی‌حجه همین سال در زنجانه رود درگذشت.<sup>۳</sup>

به فرمان شاه طهماسب، پیکر او را در شاهزاده حسین (ع) به امانت گذاشتند تا بعد به عتبات عالیات انتقال دهند. در سال ۹۶۴ قمری که جسد را از قزوین خارج کرده بودند، به علت شیوع طاعون در عراق عرب، از بغداد به ایران بازگشتند و به دستور شاه، او را به مشهد بردند و در جوار بارگاه امام رضا (ع) به خاک سپردند.<sup>۴</sup>

قاضی جهان، وزیری فاضل، کاردان و باتدبیر بود. وی علاوه بر داشتن فضایل علمی و ادبی، خط را نیک می‌نوشت. قاضی احمد قمی ضمن اشاره به فضایل او همچون: لطف انشا، حُسن خط و مراتب علمی و ادبی، او را با خواجه نظام‌الملک مقایسه کرده و معتقد است که بعد از خواجه نظام‌الملک، وزیری به جامعیت وی در ایران نیامده است.<sup>۵</sup>

۱. تذکره میخانه، ص ۱۵۱.

۲. خلاصه‌التواریخ، ج ۱، ص ۳۳۷ - تاریخ عالم‌آرای عباسی، ج ۱، ص ۲۵۳.

۳. خلاصه‌التواریخ، ج ۱، ص ۳۶۳.

۴. همان، ج ۱، ص ۳۶۶.

۵. همان، ج ۱، صص ۳۶۴ و ۳۶۵.

اسکندر بیک ترکمان نیز درباره وی می‌نویسد: «آنچه از اوصاف حمیده آن جناب در السنه و افواه معلوم گشته، فی الواقع در این دولت عظمی وزیری که جامع اسباب قابلیت و استعداد و فضایل و کمالات باشد مثل او ندیده، رفعت شأن و بزرگی او از حیز بیان بیرون است. با وجود اعتلای شأن و عظمت و اجلال، با خلاق در مقام تواضع و فروتنی بوده، در حُسن سلوک و آداب تواضع فرو گذاشتی نمی‌کرد و در مباحثاتی که میانه علما از هر علم واقع می‌شد دخل‌های موجه کرده، قولش را فحول علما معتبر می‌دانستند و در انشا و سلاست عبارات، نوشتجات او مسلم الثبوت راقمان صحایف انشا و ارباب سیاق و حساب بود و در حُسن خط درجه کمال داشته.»<sup>۱</sup>

قاضی جهان دو پسر به نام‌های شرف جهان و میر عبدالباقی داشت که هر دو، از فضلالی عصر خود بودند.

### قاضی روح‌الله

برادر قاضی جهان بود و به قضاوت اشتغال داشت. وی در کنار پرداختن به شغل اجدادی، از علاقه‌مندان شعر و ادب بود و خود نیز شعر می‌سرود. وی در سال ۹۴۸ قمری درگذشت. سام میرزا صفوی درباره او می‌نویسد: «برادر قاضی جهانست و در ملایمت طبع و چاشنی سوزِ محبت، یگانه زمان. و در قزوین ایشان را از سادات قاضی سیف‌الدینی می‌خوانند و قاضی سیف‌الدین که جد ایشان است، از کبایر سادات و علمای قزوین بوده و قضای شهر مذکور ابا عن جد تعلق به ایشان دارد و قاضی روح‌الله مذکور نیز به امر قضا اشتغال می‌نمود. اخلاق حمیده و اوصاف پسندیده او از حد و حصر بیرون است. پیوسته با مردم شاعر و ملا صحبت می‌داشته، چنان که می‌گفته‌اند که: «حسرت من در دنیا همین است که بعد از من، مردم با هم نشستند اشعار خوب خوانند و من از آن محروم باشم». آخر از آنچه اندیشه داشت، فلک جفاکار کج رفتار بر سرش آورد و کان ذالک فی شهر سنه ثمان و اربعین و تسعمایه.

اشعاری که به یاد داشت، از ده هزار متجاوز بود. اشعار او بسیار است. اما به یک مطلع اختصار رفت:

مراسم غرقه به خون، چشم اشکبار از تو  
به غیر خون دلم نیست در کنار از تو»<sup>۱</sup>

از قاضی روح‌الله پسری ماند که همچون پدر به شغل قضاوت اشتغال داشت و شعر نیز می‌سرود.

### شرف جهان قزوینی

از خوشنویسان، شعرا و فضیلتی قزوین در قرن ۱۰ هجری و فرزند قاضی جهان سیفی، وزیر اعظم شاه طهماسب صفوی است. وی در سال ۹۱۲ قمری در قزوین به دنیا آمد.<sup>۲</sup> مقدمات علوم را در زادگاه خود، نزد نظام‌الدین احمد قزوینی فرا گرفت. پس از این که حکومت فارس به پدرش واگذار شد، همراه او به شیراز رفت و نزد میر غیاث‌الدین منصور دشتکی به تحصیل علوم عقلی پرداخت.<sup>۳</sup> مدتی نیز در تبریز، از محضر خواجه جمال‌الدین محمود شیرازی بهره‌مند شد.

چندی بعد، مورد توجه شاه طهماسب قرار گرفت، به طوری که طی سال‌های ۹۴۳ تا ۹۵۵ قمری، متصدی و میر اردوی شاه بود.<sup>۴</sup> شرف جهان در هنگام وزارت پدر خود، به نیابت از او به انتظام امور می‌پرداخت، اما کمتر به ملازمت شاه حاضر می‌شد که به همین خاطر، قاضی جهان از او آزرده خاطر بود.<sup>۵</sup>

در سال ۹۵۱ قمری که شاه طهماسب قصد داشت باغ سعادت آباد و دولتخانه را در قزوین احداث کند، زمین‌های موسوم به زنگی آباد را از شرف جهان خریداری کرد.<sup>۶</sup> پس از مدتی، جمعی از دشمنان و بدخواهان شرف جهان به وی اتهام تسنن زدند و

۱. تذکره تحفه سامی، ص ۴۴.

۲. خلاصه التواریخ، ج ۱، ص ۴۲۸.

۳. تذکره میخانه، صص ۱۵۱ و ۱۵۲.

۴. خلاصه التواریخ، ج ۱، صص ۲۷۰ و ۳۳۴.

۵. احسن التواریخ، ج ۳، ص ۱۴۲۲ - خلاصه التواریخ، ج ۱، ص ۴۲۲.

۶. خلاصه التواریخ، ج ۱، ص ۳۱۲.

او را از چشم شاه انداختند<sup>۱</sup>. بعد از این بی‌التفاتی، شرف جهان اوقات خود را به شعر، خوشنویسی و مصاحبت با هنرمندان می‌گذراند. وی خط نستعلیق را بسیار پخته و به سبک درویش عبدالله بلخی<sup>۲</sup> می‌نوشت.<sup>۳</sup>

شرف جهان، شاعر و سخنوری چیره‌دست بود و اشعاری نغز و شیوا از خود باقی گذارد. او را یکی از مهم‌ترین مروجین مکتب شعری وقوع<sup>۴</sup> دانسته‌اند.<sup>۵</sup>

عبدالنبی فخرالزمانی تذکره نویس عصر صفوی، در کنار ذکر فضایل شرف جهان همچون: خط، شعر، انشا و فصاحت، او را دارای آواز خوش نیز دانسته است.<sup>۶</sup>

بنا به گفته قاضی احمد قمی، شرف جهان شخصیتی مردم‌دار بود و با همه در کمال مهربانی و دوستی رفتار می‌کرد.<sup>۷</sup> او در ۱۷ ذی قعدة سال ۹۶۸ قمری در قریه ورس قهپایه قزوین درگذشت و در شاهزاده حسین (ع) به خاک سپرده شد.<sup>۸</sup>

شاعری به نام مجازی، ماده تاریخ فوت او را چنین به نظم درآورده است:

می‌داشت چون جهان شرف از میرزا شرف

با او شرف ز ملک جهان توأمان شده

جستم حساب سال وفاتش ز پیر عقل

فرمود: «آه، آه، شرف از جهان شده»<sup>۹</sup>

۱. تذکره میخانه، ص ۱۵۲.

۲. وی از اهالی بلخ و کاتب اولاد میرزا سلطان ابوسعید و میرزا سلطان حسین بایقرا و اولاد او و شاهی بیگ خان اوزبک بود.

۳. گلستان هنر، ص ۴۹.

۴. سبکی در شعر فارسی که بین سبک عراقی و هندی پدیدار شد و از اواخر قرن ۹ تا اوایل قرن ۱۱ رواج داشت. سادگی، پرهیز از صنایع و تکلفات ادبی، به کار بردن اصطلاحات و زبان عامیانه و بیان صریح و بی‌پیرایه و مبتنی بر واقعیت‌روابطی که بین عاشق و معشوق می‌گذرد، از ویژگی‌های این سبک است.

۵. مجمع‌الخواص، ص ۴۰ - احسن‌التواریخ، ج ۳، ص ۱۴۲۲.

۶. تذکره میخانه، ص ۱۵۲.

۷. خلاصة‌التواریخ، ج ۱، ص ۴۲۲.

۸. همان، ج ۱، ص ۴۲۱ - تذکره میخانه، صص ۱۵۱ و ۱۵۲.

۹. تذکره میخانه، ص ۱۵۳.

شاعر دیگری نیز در این باره چنین سروده است:

میرزا شرف جهان فضل و تمکین  
سرو قدش افتاد چو ناگه به زمین  
تاریخ شدش جهان فضل و گفتند:  
سروی ز جهان فضل شد گوشه نشین<sup>۱</sup>

از شرف جهان دو پسر به نام‌های میر صدرالدین محمد و میرزا روح‌الله باقی ماند که همچون پدر، خوشنویس و اهل فضل بودند. سام میرزا صفوی دربارهٔ او می‌نویسد: «فرزند ارجمند و خلف سعادت‌مند قاضی جهان است و در علو فطرت و سخا و همت، از نوادر زمان. سلسلهٔ نسبش از رُبت و زیب سرلوحهٔ بیان و تذهیب مستغنی است. مصرع: ای تو مجموعهٔ خوبی، ز کدامت گویم. شرف ذات را با جهانی صفات و کمالات جمع ساخته و عَلمِ انک لعلی خلق عظیم برافراخته. این چند مطلع، از اشعار آبدار ایشان است:

شد سینه به صد چاک ز تیغ ستم او      بیرون نشد از سینهٔ صد چاک غم او

\*\*\*

تا مرا در نظر مدعیان خوار کند      هر چه گویم به خلاف سخنم کار کند

\*\*\*

با من سخن از فرقت دلدار مگوئید      از مرگ سخن بر سر بیمار مگوئید

\*\*\*

به پیش او سخن از حال زار من مکنید      بدین بهانه، تکلم به یار من مکنید<sup>۲</sup>

۱. خلاصه التواریخ، ج ۱، ص ۴۲۸.

۲. تذکره تحفهٔ سامی، صص ۳۵ و ۳۶.

### میر عبدالباقی

پسر قاضی جهان بود که در اوان جوانی درگذشت. وی نیز طبع شعر داشت و اهل فضل بود. این دو بیت، از سروده‌های اوست:

ساقی مَطَلَبِ جانبِ میخانه‌ام امروز      کاز خون جگر پُر شده پیمان‌ام امروز

\*\*\*

گهی که زلف، نقابِ رُخِ چو ماه کنی      نهان کنی رُخ و روز مرا سیاه کنی<sup>۱</sup>

### قاضی محمود

پسر قاضی روح‌الله و برادرزاده قاضی جهان بود و علاوه بر پرداختن به شغل قضاوت، شعر نیز می‌سرود. این دو بیت، از اوست:

با غیر برای دل من با سرِ کین باش      با من که سگِ کوی توام بهتر از این باش

\*\*\*

وه که این گرمی مرا آتش به جان می‌افکند      شمع من پرتو به روی دیگران می‌افکند<sup>۲</sup>

### میر عبدالعظیم سیفی حسنی

از امرای معتبر گیلان و داماد قاضی جهان بود. شاه طهماسب در سال ۹۵۷ قمری دختر او را برای سلطان محمد میرزا پسر بزرگ خود به همسری گرفت که سلطان حسن میرزا - که بعدها به امر شاه اسماعیل دوم به قتل رسید - حاصل این وصلت بود.<sup>۳</sup> میرزا بیک جنابدی درباره ازدواج سلطان محمد میرزا با نوه دختری قاضی جهان و

۱. تذکره تحفه سامی، ص ۴۵.

۲. همان، ص ۴۵.

۳. تاریخ عالم‌آرای عباسی، ج ۱، ص ۲۰۶.

دختر میر عبدالعظیم سیفی چنین می‌نویسد: «در شهور سنه سبع و خمسين و تسعمائه، خاطر خورشید مآثر پادشاه ستوده خصال متوجه ازدواج شاهزاده زینده تخت و تاج سلطان محمد میرزا گشته، در وقتی که از دارالسلطنه قزوین به دفع فساد محمد خان شکلی رایت توجه به صوب آن مملکت برافراشته بودند، کریمه‌ای از نبایر قاضی جهان حسنی<sup>۱</sup> سیفی قزوینی را که در حجله عصمت و صلاح و مهد عفت و فلاح آن جناب تربیت یافته بود، مصحوب ریش سفیدان معتمد به دارالسلطنه هرات ارسال فرمودند.»<sup>۲</sup>

### میر عبدالکریم

فرزند میر عبدالعظیم سیفی حسنی و نوه دختری قاضی جهان بود. وی در سرودن شعر تبحر داشت و در برخی اوقات به ملازمت شاه طهماسب مفتخر می‌شد. سام میرزا صفوی درباره او می‌نویسد: «دخترزاده قاضی جهانست. در بعضی اوقات به ملازمت صاحبقرانی سرافراز بود و در روانی طبع و حدت فهم ممتاز. این مطلع از اوست:

تا چند از فراق تو درد و جفا کشم      رحمی! که بر لب آمده جان بلا کشم»<sup>۳</sup>

### میر حسین

فرزند میر عبدالعظیم سیفی، نوه دختری قاضی جهان و برادر کوچک میر عبدالکریم بود. وی نیز اهل فضل بود و شعر می‌سرود. سام میرزا صفوی درباره وی می‌نویسد: «برادر کوچک میر عبدالکریم است، ولد میر عبدالعظیم که احتیاج به تعریف ندارد و جوانی است در کمال صورت و سیرت و با وجود آن که سن او از بیست تجاوز نکرده، جامع اصناف فضایل و حاوی انواع استعداد است و نیکو خصایل. این مطلع از اوست:

من عاشق آن روی چو ماهم چه توان کرد      دیوانه آن زلف سیاهم چه توان کرد»<sup>۴</sup>

۱. در متن کتاب، به اشتباه حسینی درج شده است.

۲. روضة الصفویه، ص ۵۲۹.

۳. تذکره تحفه سامی، ص ۴۵.

۴. همان، ص ۴۵.

### میر علی کیا

از سادات سیفی قزوین و جوانی درویش نهاد بود و اوقات خود را به کسب علوم می‌گذراند. این بیت، از سروده‌های اوست:

اظهار دردِ دل بر دلدار چون کنم      ترسم ز خوی نازکش، اظهار چون کنم<sup>۱</sup>

### میر صدرالدین محمد

فرزند شرف جهان و نواده قاضی جهان سیفی (وزیر شاه طهماسب صفوی) است. وی خط نستعلیق را از مالک دیلمی آموخته و مُحَرَّف نویس<sup>۲</sup> بود. او چون شیوه خوشنویسی سلطانعلی مشهدی را از میر علی هروی بهتر می‌دانست، درباره سبک این خوشنویس برجسته و دقیق و ظریف آن، مطالعات و تحقیقات فراوانی کرده بود و به شیوه او می‌نوشت.

وی علاوه بر خوشنویسی، در رنگ‌آمیزی، وصالی، موسیقی و ساختن تصنیف و آهنگ تبحر داشت. میر صدرالدین در زمان سلطان محمد خدابنده، در زمره مَقْرَبان شاهزاده سلطان حمزه میرزا<sup>۳</sup> بود و در هنگام سلطنت شاه عباس، بیشتر مورد توجه قرار گرفت، به طوری که همواره ملازم رکاب شاه بود. وی به سفارش شاه عباس تذکرة الشعرا را به سبک تذکرة دولتشاه سمرقندی در دست تألیف داشت و به همین منظور، سالیان درازی از عمر خود را به مطالعه کتب و تذکرها و جمع‌آوری شرح حال و آثار شاعران و سخنوران گذراند، اما در دوران حیات خود، موفق به اتمام آن نشد. میر صدرالدین محمد در اواخر عمر به جهت ضعف بینایی، خوشنویسی را ترک گفت. وی در ربیع‌الاول سال ۱۰۰۷ قمری که به عزم سفر خراسان از اصفهان خارج شده بود، در حوالی بسطام درگذشت.<sup>۴</sup> از او رساله‌ای درباره موسیقی به جای مانده است.<sup>۵</sup>

۱. تذکرة تحفه سامی، ص ۷۱.

۲. نوعی قَطِ قلم، قلمی که زاویه قَطِ آن، تند و در حدود ۳۵ تا ۴۵ درجه باشد.

۳. پسر و ولیعهد سلطان محمد خدابنده.

۴. تاریخ عالم‌آرای عباسی، ج ۱، صص ۲۶۸ تا ۲۷۰ - گلستان هنر، صص ۹۷ و ۹۸.

۵. مینودر، ج ۲ (شرح حال و آثار رجال و دانشمندان قزوین)، ص ۶۷۶.



### میرزا روح‌الله

فرزند شرف جهان و نواده قاضی جهان سیفی بود و شکسته نستعلیق را به شیوه پدر خود می‌نوشت. قاضی احمد قمی، خط او را دارای پختگی و ملاحظت دانسته است.<sup>۱</sup>

میرزا روح‌الله علاوه بر خوشنویسی و اکتساب علوم متداوله، به آموختن علم طب پرداخت و در این فن مهارت تمام یافت. وی در هنگام سلطنت سلطان محمد خدابنده بیمار شد و در اوان جوانی درگذشت. اسکندر بیک منشی درباره او می‌نویسد: «میر روح‌الله قاضی جهانی که از سادات عظیم‌القدر سیفی حسنی<sup>۲</sup> قزوین است، اوصاف حمیده والد و جد او از غایت شهرت، از بیان مستغنی است. آثار جلالت و بزرگی از ناصیه احوالش ظاهر و نمایان و به اخلاص رضیه و اطوار مرضیه بین‌الاکابر و الاعیان موصوف و به حلیه فضل و دانش آراسته، به وفور قابلیت و استعداد پیراسته، بعد از اکتساب علوم متداوله، ذوق علم طب یافته، درین فن شریف مهارت تمام داشت. اگر چه به معالجه مرضی کمتر پرداختی اما تصرفاتش در معالجات علل و امراض، پسندیده خواص اطباء می‌افتاد. طبیب‌زادگان اکثر در خدمت او مباحثه علم طب نموده، به شاگردی او افتخار می‌کردند. شکسته نستعلیق را بسیار خوب می‌نوشت. در زمان نواب سکندر شأن، در قزوین سقم بر مزاجش مستولی شده، طبیب قضا دست تصرف از معالجه بدنش کوتاه کرده، در عالم جوانی مقیم عالم جاودانی گردید.»<sup>۳</sup>

### قاضی خان سیفی

امیر معزالدین حسنی مشهور به قاضی خان، از اقوام قاضی جهان سیفی و از علمای فاضل دربار شاه طهماسب صفوی بود. وی در سال ۱۰۱۵ قمری توسط شاه عباس به منصب صدارت رسید. اسکندر بیک منشی در این خصوص در شرح وقایع سال ۱۰۱۵ می‌نویسد: «از سوانح این سال که در هنگام فتح قلعه گنجه به ظهور پیوست که امیر ابوالولی انجو شیرازی به جهت خویشنداری و مسامحات که از سلامت نفس و کم‌آزاری در ضبط و ربط وجوه شرعیه می‌نموده، ملازمان بی‌اطلاع او جسارت و دلیری

۱. گلستان هنر، ص ۴۹.

۲. در کتاب به اشتباه، حسینی درج شده است.

۳. تاریخ عالم‌آرای عباسی، ج ۱، ص ۲۶۶.

کرده، در وجوه متعلقه به سرکار حضرت امام‌الجن و الانس تصرفات کرده بودند، از منصب عالیِ صدارت معزول گشته، قاضی خان ولد میرزا برهان که از اجلهٔ سادات عظیم‌القدر سیفی حسنی قزوینی و از اقوام قاضی جهان وزیر حضرت شاهِ جنت مکان بود، بدین رتبهٔ عالی سربلندی یافت.<sup>۱</sup>

قاضی خان که از مطلعین عهدنامهٔ صلح شاه طهماسب و سلطان سلیمان بود، به منظور تأکید بر اجرای مفاد این صلح، در سال ۱۰۲۰ قمری از سوی شاه عباس به سفارت در دربار سلطان احمد خان، سلطان عثمانی فرستاده شد. ملا جلال منجم در این خصوص در شرح وقایع سال ۱۰۲۰ هجری می‌نویسد: «بنا بر استحکام عهد و میثاق، صدارت و سیادت پناه، امیر معزالدین الحسنی<sup>۲</sup> المشهور به قاضی خان که از جمله سادات سیفی دارالسلطنهٔ قزوین است و از افاضل مجلس بهشت آئین جنت مکانی بود و واقف بر صلح و وقایع مابین شاه جنت مکانی و سلطان سلیمان بود و از نوشته‌جات و وقایع آن زمان با خبر بود، تعیین نمودند.»<sup>۳</sup>

اسکندر بیک منشی نیز در شرح وقایع سال ۱۰۲۰ می‌نویسد: «سیادت پناه قاضی خان را که سید بزرگ عالی شأن و مرد نیکو اخلاق متعالی مکان و به رتبهٔ عالی منصب صدارت و تقدم اربابِ عمایم ملک ایران سرافرازی داشت و صاحب ثروت و مکتب بود به رسالت روم تعیین فرمودند و از عنایات کاملهٔ پادشاهی، موازی یک هزار تومان شاهی عراقی زر نقد و بعضی امتعه و اجناس و یراق ضروری آن سفر به او عطا فرمودند.»<sup>۴</sup>

قاضی خان صدر پس از انجام مأموریت خود، در سال ۱۰۲۳ قمری به همراه انجیلو چاوش سفیر عثمانی به اصفهان مراجعت کرد.<sup>۵</sup>

در سال ۱۰۲۵ محمد پاشا وزیر اعظم عثمانی با نقض عهدنامهٔ صلح، به سمت آذربایجان لشکر کشید و ایروان را محاصره کرد. این اقدام به دلایلی چون: سرمای شدید هوا و اتمام آذوقه و علیق اردوی عثمانی بی‌نتیجه ماند و چهل هزار نفر از سپاهیان عثمانی

۱. تاریخ عالم‌آرای عباسی، ج ۲، ص ۱۱۷۵.

۲. در کتاب، به اشتباه حسینی درج شده است.

۳. تاریخ عباسی یا روزنامهٔ ملا جلال، ص ۴۲۷.

۴. تاریخ عالم‌آرای عباسی، ج ۲، صص ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱.

۵. همان، ج ۲، صص ۱۴۲۵ و ۱۴۲۶.

در این لشکرکشی تلف شدند. چون از این تهاجم، چیزی عاید دولت عثمانی نشد، دوباره سخن از سازش به میان آورد که این بار نیز قاضی خان بر حسب دستور شاه عباس برای از سر گرفتن گفتگوهای صلح به اردوی عثمانی در ارض روم رفت.<sup>۱</sup>

قاضی خان سیفی در سال ۱۰۲۶ قمری از صدارت عزل شد و قاضی سلطان تربتی که از سادات موسوی تربت حیدریه بود به این سمت منصوب گردید.<sup>۲</sup>

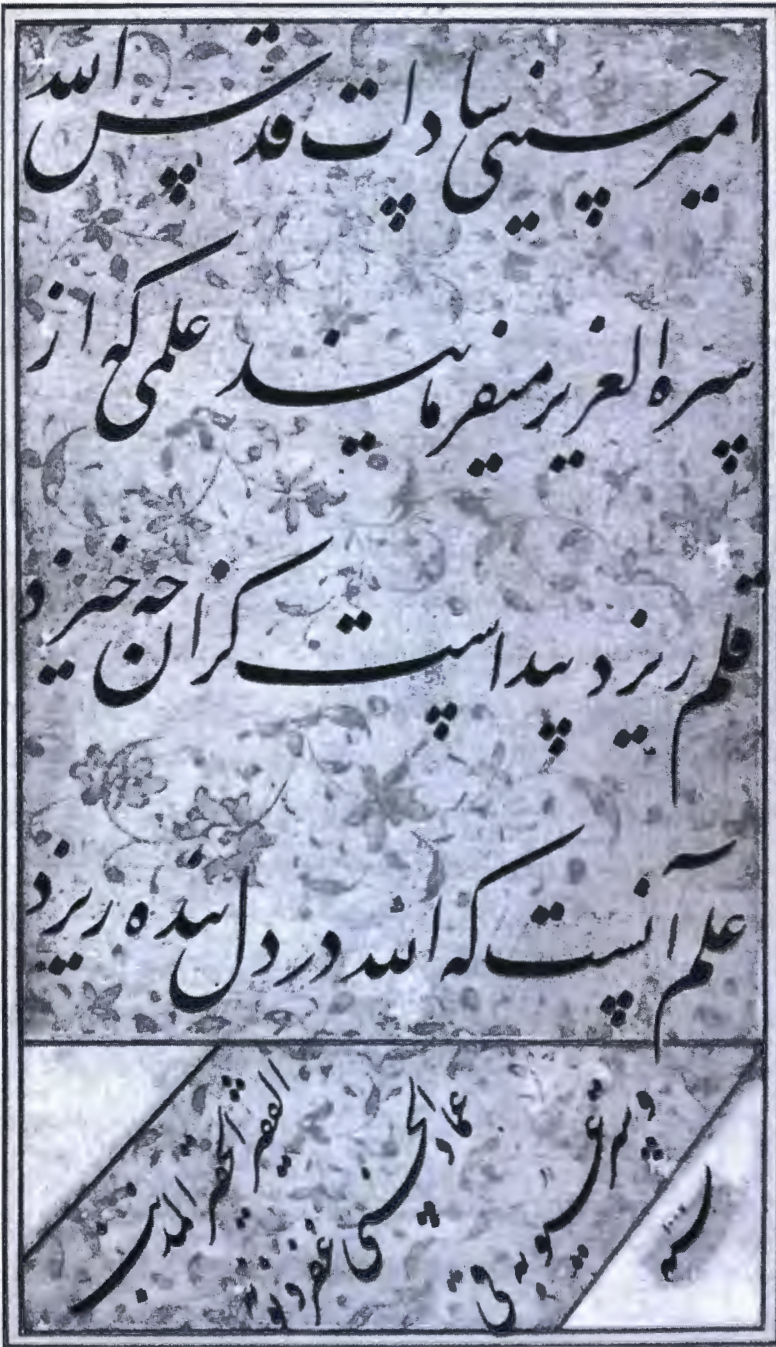
وی در سال ۱۰۳۰ قمری درگذشت. اسکندر بیک منشی در شرح وقایع این سال می‌نویسد: «قاضی خان صدر سابق که در اواخر سال گذشته در قصبه طرشت ری مریض و علیل گشته، در اوایل این سال رخت به عالم آخرت کشید. نعلش او را به مشهد مقدس معلی نقل کردند. وی از سادات عظیم‌القدر سیفی حسنی بود که ابا عن جد در دارالسلطنه قزوین و نواحی به منصب جلیل‌القدر اقصی‌القضاتی معزز و منظور نظر سلاطین بوده‌اند و او سید عالی شأن کریم‌الذات و به اخلاق حسنه و فضایل و کمالات نفسانی آراستگی داشت. در زمان دولت همایون، منصب قضاء عسکر ظفر اثر یافته، چند گاه بدان شغل شگرف پرداخت و چون دامن از آن مشغله درچید، توفیق حج بیت‌الله الحرام دریافت و در سنه یونت ثیل خمس عشر و الف چنانچه در وقایع آن سال اشارتی به آن شده، به منصب عظیم‌الشأن صدارت سربلندی یافته، دوازده سال من حیث‌الاستقلال به آن امر قیام نموده، طلبه علوم و ارباب استحقاق و احتیاج از مواید انعام و افضالش بهره‌ور بودند. یک پسر هفده ساله داشت که به اکتساب علوم مشغولی می‌نمود. بعد از فوت والد، در همین سال، از حکمت بالغه الهی در دارالسلطنه اصفهان به مرض آبله از هم گذشته، در عالم جوانی به سر منزل جاودانی شتافت.»<sup>۳</sup>

اسکندر بیک منشی در کتاب خود، از قاضی خان با عناوینی چون «اعاظم سادات و علما» و «اعاظم سادات عالی درجات دیار عجم» یاد کرده است.

۱. تاریخ عالم‌آرای عباسی، ج ۲، صص ۱۴۹۹ و ۱۵۰۰.

۲. همان، ج ۳، صص ۱۵۳۲ و ۱۵۳۳.

۳. همان، ج ۳، صص ۱۵۹۹ و ۱۶۰۰.



قطعه نستعلیق با رقم: «الفقییر الحقیر المذنب عماد الحسنی غفر ذنوبه و ستر عیوبه فی سنه ۱۰۰۷»